

نگاهی به ترجمه ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان

محمد مهیار (قم)

یکی از راه‌های دستیابی به پیشینه زبان کهن و پرمایه پارسی و بازیابی واژه‌هایی که در گذشته‌های دور به کار می‌رفته‌اند و امروز به هر دلیلی از آنها محروم هستیم، جست‌وجو در لابه‌لای متون و میراث فرهنگی گذشتگان است و از میان این متون تفاسیر فارسی و قرآن‌های مترجم جایگاهی والا دارند، چه از طریق معادل هر واژه یا ترکیب و یا عبارت، با نص کلام الهی، به روشنی کار کرد آنها را درمی‌یابیم و با دگر واژه‌های آن آشنا می‌شویم و کاربرد ترکیبی آن را می‌شناسیم. و حداقل فایده این کار، گسترش واژگان زبان پارسی معاصر خواهد بود.

ترجمه و تفسیر روض الجنان اولین ترجمه و تفسیری است که به زبان پارسی دری بر مشرب شیعه، در قرن ششم به وسیله الامردی از اهل ری تألیف شده است. این دانشی مرد که هم فقیه بود و هم متکلم و هم لغوی، حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی النشابوری الاصل معروف به ابوالفتوح رازی است که اثر سترگ خود را در بیست جلد تألیف کرده است و نام آن را رَوْضُ الْجِنَانِ وَ رَوْحُ الْجِنَانِ فِی تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ نِهَادَه است. در این تفسیر با دقت بی‌مانندی ابتدا ترجمه بخشی از آیات را به دست می‌دهد آنگاه به تفسیر آنها می‌پردازد. در خلال این ترجمه و تفسیر بی‌بدیل تعداد فراوانی واژه‌های ناب و اصیل پارسی به چشم می‌خورند که بعضی از آنها در هیچ یک از فرهنگ‌ها و

لغت نامه‌های موجود نیامده‌اند.

این تفسیر کبیر از بدو تألیف، مورد توجه و مطالعه اهل نظر بوده است و به همین دلیل نسخه‌های خطی فراوان از آن در گوشه و کنار جهان در کتابخانه‌ها موجود است؛ در صدساله اخیر بعد از ورود صنعت چاپ و چاپخانه به این مرزوبوم، تفسیر *روض الجنان* جزو اولین کتاب‌هایی قرار می‌گیرد که به چاپ آن اقدام می‌کنند به همین دلیل تاکنون چهاربار به تصحیح و طبع انتقادی رسیده است: اولین بار در دوره قاجاریه به همت چندتن از بزرگان اهل فضل از جمله ملک‌الشعرای صبوری، طبع انتقادی آن آغاز شد که تا سال ۱۳۱۵ شمسی به درازا کشید، این چاپ در پنج جلد با قطع رحلی همراه با مؤخره‌یی مبسوط از علامه محمد قزوینی درباره شرح زندگی ابوالفتح و تفسیر او، موجود است؛ دومین بار در سال ۱۳۲۰ به وسیله آیه‌الله مهدی الهی قمشه‌ای تصحیح شد و در ده جلد با حواشی مصحح به چاپ رسید؛ بار سوم در سال ۱۳۴۲ شمسی در دوازده جلد به تصحیح و توضیح آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی چاپ شد و چهارمین بار به همت آستان قدس رضوی به تصحیح گروهی از محققین و با سرپرستی آقایان دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح در بیست مجلد به طبع انتقادی رسید، که چاپ آن حدود ده سال به طول انجامید و آخرین مجلدات آن در سال هزار و سیصد و هفتاد و پنج به دست مشتاقان آن رسید. چاپ‌های پیشین از هیچ جهت با چاپ اخیر قابل مقایسه نیستند، چه این چاپ به خواننده و محقق این اطمینان قلبی را می‌دهد که آنچه می‌خواند قول و نظر ابوالفتح است نه کاتبان و نسخه‌نویسان قرن‌های بعد از مؤلف، اما به دلیل آن که این تصحیح براساس آقدم نسخ انجام پذیرفته است و از سویی در هر بخش، آقدم نسخ با بخش‌های دیگر متفاوت است، یکدستی متن ضربه دیده است، هر چند که از آن گزیری هم نبوده. نکته دیگر این که گاهی در نسخه اساس، که در هر جلد تغییر کرده است خطای آشکار وجود دارد، حال آن که صحیح آن در نسخه بدل موجود است و مصححان محترم ناچار شده‌اند برای رعایت امانت همان ضبط نادرست را در متن بیاورند و ضبط درست را به حاشیه منتقل کنند؛ اما آیا بهتر نیست که در تصحیح متونی که نسخه اساس، مثل همین تفسیر، کامل و یکدست نیست از روش همگرایی استفاده شود و با در نظر گرفتن ویژگی‌های زبانی زمان مؤلف و واژگان خود اثر، ضبط صحیح، حتی اگر در نسخه بدل آمده باشد در متن قرار گیرد؟ وانگهی مگر کاتبان و نسخه‌نویسان گذشته چقدر می‌توانستند از خطا و لغزش در امان بمانند که

ما امروز تا این حد به دست نوشته‌های آنان تکیه و اعتماد می‌کنیم؟
به هر حال، نگارنده در این مقاله فقط به بررسی بخش ترجمه آیات بسنده کرده است
تا شاید بتواند گرهی از مشکلی بگشاید. در ارجاع به متن فقط شماره سوره و آیه را ذکر
کرده‌ایم و از ذکر شماره صفحه کتاب صرف نظر شده است.

* سوره ۲ آیه ۶۰ در ترجمه «مَشْرَب» «آب خوردن» آمده است، که همان «آب
خورد» که در نسخه اساس بوده است درست است؛ زیرا در سوره اعراف، آیه ۱۶۰
«مَشْرَب» به «آب خورش» ترجمه شده است به معنی آبشخور، نظامی هم در لیلی و
منجنون این واژه را در این بیت به کار برده است:

هر چار ز یک نورد بودند ریحان یک آب خورد بودند.
(چاپ برات زنجانی، ص ۶)

و خواجوی کرمانی هم در بیت زیر، این واژه را به کار برده است:
ز هر گوشه درمان دردی طلب زهر چشمه‌یی آبخوردی طلب
(همای و همایون، تصحیح کمال عینی، ص ۷۲)

* سوره ۲ آیه ۱۵۲ در ترجمه آیه «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»
می‌خوانیم «یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را، و شکر کنید مرا و کفران مکنید [به من]». کلمه
«به من» که در نسخه اساس نبوده است از نسخه بدل الحاق شده، ظاهراً نسخه اساس
درست است و نیازی به الحاق این کلمه ندارد. با در نظر گرفتن این مطلب که این،
ترجمه‌یی است واژه به واژه.

* سوره ۲ آیه ۱۹۱ در جمله «بِكُشِيدِ إِيشَانَ رَاهِرَ كَجَا كَه كِشَانَ يَابِيدِ» حرف «که»
زیاد است.

* سوره ۲ آیه ۲۳۳ در ترجمه «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ» آمده است «بزه نیست بر ایشان» که
درست آن «بزه نیست بر شما» است؛ اگر چه در حاشیه به آن اشاره شده است اما در متن
تغییر آن به دست فراموشی سپرده شده است.

* سوره ۲ آیه ۲۸۲ دوبار در ترجمه «بِالْعَدْلِ» واژه «به داستان» آمده است، این واژه
غریب به گونه‌های مختلف در ترجمه و تفسیر روض الجنان به کار رفته است، مثلاً در
سوره ۱۰ آیه ۴۷ و سوره ۱۱ آیه ۸۵ و در سوره ۱۰ آیه ۵۴ در برابر «بِالْقِسْطِ» واژه «به
داستان» تکرار شده است؛ اما در سوره ۳ آیه ۱۸ واژه «به دادستان» آمده است و باز در

سوره ۴ آیه ۱۳۵ و سوره ۴ آیه ۱۰ و سوره ۲۱ آیه ۴۷ در ترجمه همین کلمه، واژه «به راستان» آمده است. با در نظر گرفتن این نکته که در نسخه بدل‌های غالب موارد فوق «براستی» و «براستان» ضبط شده و در لغت‌نامه هم واژه «راستان» به معنی قسط و عدل آمده است، پیشنهاد می‌شود که تمام موارد فوق در ترجمه و مواردی را که در تفسیر آمده‌اند، به واژه «به راستان» تغییر دهیم.

* سوره ۳ آیه ۱۱۸ در ترجمه «وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ» آمده است «و آنچه پنهان دل‌های شما می‌کنند» که کلمه «شما» احتمالاً «شان» بوده است، زیرا در نسخه بدل‌ها هم که در حاشیه آمده است «دل‌هایشان» و «سینه‌های ایشان» است.

* سوره ۳ آیه ۱۴۳ در ترجمه «وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَتُّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» می‌خوانیم «و شما تمنای مرگ می‌کردید از پیش آن، که بدیدید آن را و شما می‌نگریدید»، کلمه «تَلْقَوْهُ» ترجمه نشده است، با در نظر گرفتن این نکته که ترجمه ابوالفتوح، ترجمه‌یی واژه به واژه است و هیچ کلمه‌یی نبوده است که از چشم تیزبین این مفسر و مترجم قرآن پنهان بماند و ترجمه نشود، در نتیجه یا ترجمه این کلمه از قلم نسخه‌نویسان افتاده و یا اشتباه مطبعی است.

* سوره ۶ آیه ۲۷ در ترجمه «... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِمْ وَلَا تَتَّبِعُوا هَذِهِمْ» می‌خوانیم «ای کاش ما را باز پس برندندی و به دروغ نداشتیمی آیات خدای ما و بودیمی از گرویدگان». فعل «برندندی» خطاست و «برنددی» درست است، و نیز فعل «نداشتمی» با در نظر گرفتن متن قرآن مجید و کاربرد این صیغه فعل در ترجمه و تفسیر ابوالفتوح مناسب به نظر نمی‌رسد، و ضبط نسخه بدل «نداشتمانی» اصیل‌تر و مناسب‌تر است. کاربرد این صیغه و ساخت فعل کهن و کم کاربرد در ترجمه و تفسیر ابوالفتوح پر سابقه است؛ مثلاً «ببردمانی» در سوره ۵ آیه ۶۵؛ «بستمانی» در سوره ۲۸ آیه ۱۰؛ «بودمانی» در سوره ۳۴ آیه ۳۲ و سوره ۶ آیه ۱۵۷ و سوره ۳۷ آیه ۱۶۹ و سوره ۶۷ آیه ۱۰ و سوره ۳۳ آیه ۶۶؛ و «نپرستیدمانی» در سوره ۴۳ آیه ۲۰ و سوره ۱۶ آیه ۳۵ و «داشتمانی» در سوره ۷۴ آیه ۴۶ و موارد متعدد دیگر که در جای دیگر به آن پرداخته‌ایم.^۱

۱. نگارنده قرآنی با ترجمه ابوالفتوح رازی زیر چاپ دارد که در آنجا به ویژگی‌های زبان‌شناختی و مختصات واژگانی این ترجمه سترگ به طور مستوفی پرداخته است.

* سورة ۶ آیه ۷۰ در ترجمه آیه «اولئک الذین اُتِیْلُوا بِمَا کَسَبُوا» می خوانیم: «رها دهندشان به آنچه می کند» که در ترجمه «اِئْسَال» «رها دادن» آمده است؛ در نسخه بدل «گرو نهادند» آمده است و در تفسیر می خوانیم: اِئْسَال، اِزْتِهَان باشد، به گرو نهادن (تفسیر روض الجنان، ج ۷، ص ۳۳۰). با در نظر گرفتن موارد فوق، صحیح کلمه «رهاان دهندشان» است که احتمالاً «ن» آن در هنگام کتابت نسخه نویس افتاده است.

* سورة ۷ آیه ۲۰۱ در ترجمه «فَاِذَا» «چه بینی» آمده است، و در نسخه بدل «که بینی»؛ که ضبط نسخه بدل مرجح است، زیرا برابر نهاد این حرف مفاجاة در ترجمه ابوالفتوح همه جا با «که» همراه است، در سورة ۴۳ آیه ۵۷ «که دیدی» ترجمه شده؛ در سورة ۳۶/۳۷ و ۵۳/۳۶ و ۵۱/۳۶ و ۸۰/۳۶ و ۶۸/۳۹ و ۵۰/۴۳ و ۴۷/۴۳ به «که بینی» ترجمه شده و در سورة ۱۴/۷۹ و ۱۹/۳۷ و ۲۹/۳۶ به «که بنگری» و در سورة ۵۴/۱۶ به «که نگه کردی».

* سورة ۱۰ آیه ۴۵ در برابر «كَأَنَّ لَمْ يَلْبِتُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ» می خوانیم: «پنداری که کمتر ناستادند مگر ساعتی از روز» که کلمه «کمتر» مصداق و معادلی در آیه شریفه ندارد و به نظر می رسد که بر اثر خطای نسخه نویسان وارد متن شده است.

* سورة ۱۵ آیات ۲۶ و ۳۳ در ترجمه «حَمًا» «خری» آمده است که به معنی خرّه، گیل سیاه، لای و لوش است همراه با یای نکره، اما در سورة ۱۵ آیه ۲۸ به «خزی» ترجمه شده است که خطاست.

* سورة ۱۶ آیه ۱۵ برابر نهادِ «أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ» آمده است «تا نخسپند به شما». در نسخه بدل «نچسبد» آمده است که درست است زیرا در سورة ۲۱ آیه ۳۱ هم «چسپیدن» در برابر «تمید» آمده است؛ علاوه بر آن که «چسپیدن» در سورة ۴ آیه ۱۰۲ و ۲۷/۴ و ۱۲۹/۴ و ۱۲/۳۴ و ۱۱۷/۹ و ۹۱/۳۷ و ۹۳/۳۷ نیز آمده است.

* سورة ۲۶ آیه ۱۱۹ برابر نهادِ «الْمُشْحُونِ» فعل مرکب «پربار کرده» ضبط شده است، که صحیح آن «پرباز کرده است». اجزای این فعل مرکب نا آشنا بدین صورت است که پیشوند «باز» همان پیشوند تأکید «ب» است که در تفسیر و ترجمه ابوالفتوح فراوان به کار رفته است، اما ترکیب فعل «بُر باز کرده» به معنی «پر بکرده» و «پر کرده» در ترجمه آیات چندین بار آمده است، مثلاً در برابر «لَا مُلْتَرٌ» و «مُلْتَت» در سورة ۱۱ آیه ۱۱۹ و

سوره ۱۸ آیه ۱۸ و سوره ۳۸ آیه ۸۵ فعل «بُرِّبَازُ كُنْتُمْ» و «بُرِّبَازُ كَرَدْتُمْ» قرار داده شده.
 * سوره ۲۷ آیه ۴۱ در ترجمه «قَالَ تَكْبَرُوا لَهَا عَرْشَهَا...» می خوانیم: «گفت سلیمان آن تخت بگردانید از جای او او را عرش او...» در این ترجمه کلمات «سلیمان آن تخت» و «از جای او» زایدند و برابری در آیه ندارند؛ با توجه به این که قاعده ابوالفتوح در بخش ترجمه آیات، آن بوده است که اصطلاحاً تحت اللفظی ترجمه می کرده و هیچ معادلی را اضافی یا کم نمی آورده است و از سویی در سه نسخه بدل که به حاشیه منتقل شده اند، ترجمه درست و دقیق ضبط شده است، ترجمه این قسمت از آیه مذکور چنین بوده است «گفت بگردانید او را عرش او».

* سوره ۳۰ آیه ۳۱ در برابر «مُنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ وَ اَتَقُوْهُ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ...» می خوانیم: «باز گردندگان باشند سوی او و بترسید از او و به پای دارید نماز را» که فعل «باشند» تحریف شده «باشید» است. منصوب بر حال و معطوف به آیه پیش بودن «مُنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ» هم دلالت بر تأیید این نظر دارد.

* سوره ۳۴ آیه ۲۷ برابر نهاد «كَلَّا» «برگشت» ضبط شده است که یقیناً خطاست و صحیح آن همچنان که در نسخه بدل آمده و مصححین محترم هم حدس زده اند. «برگست» است، این معادل در سوره ۱۲ آیه ۱۵ و ۶۲/۲۶ و ۱۵/۲۶ و ۱۶/۷۴ و ۲۶/۷۵ و ۴/۷۸ و ۵/۷۸ و ۲۳/۸۰ و ۹/۸۲ و ۱۴/۸۳ و ۲۱/۸۹ و ۱۷/۸۹ هم آمده است.

* سوره ۳۶ آیه ۶ در برابر «لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا اُنذَرَ اَبَاؤُهُمْ» آمده است: «تا بترسانی قومی را آنچه بترسانیدند پدر ایشان» که همچنان که در ضبط نسخه بدل آمده «پدران ایشان» صحیح است.

* سوره ۳۶ آیه ۶۴ در ترجمه «اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ...» آمده است: «به او ملازم باشی (باشید) با او امروز...» که حرف اضافه و متمم «با او» یا «به او» تکراری و زاید است.

* سوره ۳۶ آیه ۷۶ «اِنَّا نَعْلَمُ مَا يَسْرُوْنَ وَا مَا يَعْلِنُوْنَ» ترجمه شده است: «ما دانیم آنچه پنهان دارند و آن جا آشکارا کنند» که همچنان که در نسخه بدل آمده «آن جا» خطاست و «آن چه» درست است.

* سوره ۳۷ آیه ۱۰ «سِهَابٍ ثَاقِبٍ» به «ستاره بخشنده» ترجمه شده، کلمه «بخشنده» خطاست. صحیح آن «بخشیده» است از مصدر «بخشیدن». در این جا بد نیست که سابقه این واژه را در تفسیر ابوالفتوح و متون متقدم بر این تفسیر دنبال کنیم. در نسخه بدل های همین آیه به شکل «درخشنده» ضبط شده، و در تفسیر آن ج ۱۶ ص ۱۸۰ «بخشنیده»

ضبط شده و در حاشیه همان صفحه سه گونه «بخشنده» و «بشخنده» و «بشخیده» از سه نسخه بدل به دست داده شده، که نسخه متعلق به قرن ششم (۵۹۵ق) درست‌ترین ضبط این کلمه را دربر دارد.

علاوه بر این، سه بار دیگر این واژه در این تفسیر آمده است که ذکر آنها لازم به نظر می‌رسد: در سوره البروج (۸۵) آیه ۵ «النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ» می‌خوانیم: «آتش خداوند بشخیدن»؛ و در سوره مریم (۱۹) آیه ۴ در ترجمه «وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» می‌خوانیم: «و بریشخید سر به پیری» و ضبط نسخه بدل آن «بشخیده» است. در تفسیر همان آیه، ج ۱۳ ص ۵۸ می‌خوانیم: «سرم به پیری ببخشید، آتش پیری در سرم گرفت» و در نسخه بدل تفسیر، حاشیه همان صفحه، به صورت «ببشخید» آمده است. سومین بار در سوره واللیل (۹۲) آیه ۱۴ «فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى» آمده است: «بترسانیدم شما را از آتشی که می‌بشخد».

در فرهنگ زبان پهلوی تألیف دکتر بهرام فره‌وشی، ضبط این کلمه «Vaxšītan» به معنی «سوختن، افروختن و روشن شدن» آمده است.^۳ در فرهنگ لغت فرس اسدی،^۴ به صورت «بخشان» و به معنی «گدازان» ضبط شده و در دیگر فرهنگ‌ها و دواوین شاعران به گونه‌های متفاوت و نزدیک به هم به صورت «بخسیدن» به چشم می‌خورد.^۵

* سوره ۳۷ آیه ۱۴۴ «لَلَّيْلِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ». ترجمه آن چنین آمده است: «بماندی در شکم او آن روز که ایشان را برانگیزند»، که حرف «تا»ی ربط حذف شده است: و «... تا آن روز که ایشان را برانگیزند».

* سوره ۳۸ آیه ۱۰ «أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ». می‌خوانیم: «یا ایشان راست ملک آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن است که بر شوی [بد] در پای‌ها»، که فعل «بر شوند» صحیح است.

* سوره ۳۸ آیه ۴۹ در ترجمه «وَأَنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَأْبٍ» می‌خوانیم: «و پرهیزگاران باشد نیکو بازگشتن»؛ همچنان که در نسخه بدل آمده، صحیح آن چنین است: «و

۲۳۰ □ نامه پارسی، سال ۴، شماره ۱

۳. فرهنگ زبان پهلوی، تألیف دکتر بهرام فره‌وشی، چاپ سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، ص ۵۹۰.
۴. لغت فرس، ابومنصور احمد بن علی اسدی توسی، به تصحیح و تحشیه فتح‌الله مجتبیایی [و] علی اشرف صادقی، انتشارات خوارزمی، ج اول، ۱۳۶۵، ص ۱۹۹.
۵. فرهنگ مشتقات مصادر فارسی، دکتر کامیاب خلیلی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج اول، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۸۱.

پرهیزگاران را...».

* سوره ۳۸ آیه ۸۱ «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» ترجمه شده است: «تا به روز وقت دانست». کلمه «دانست» خطاست و صحیح آن «دانسته» است؛ واژه قرآنی «المَعْلُوم» در سوره ۱۵ آیه ۳۸ و سوره ۳۷ آیه ۴۱ و سوره ۲۲ آیه ۲۸ نیز «دانسته» ترجمه شده است.

* سوره ۴۰ آیه ۴۷ در ترجمه «فَقُلْ أَنْتُمْ مُنْتَوُونَ عَنَّا» می خوانیم: «هستید شما بگریزانیده از ما». برابر نهاد «مُنْتَوُونَ» همه جا در ترجمه آیات «در روض الجنان، بگریزاننده» است. من جمله در سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۲۱؛ این فعل کهن و کم کاربرد فارسی که از مصدر «گزیردن» به معنی چاره کردن مشتق شده است چندین بار در تفسیر ابوالفتوح به کار رفته مثلاً در سوره ۱۲ آیه ۶۸ و ۱۰/۴۵ و ۳۱/۷۷ و ۷/۸۸ و ۹۲/۱۱ و... اما در چند مورد ضبط آن آشفته است، مثلاً در سوره المؤمن (۴۰) آیه ۸۲ «نگریزانید» آمده، حال آن که نسخه بدل، صحیح آن را دربر دارد؛ و نیز در سوره احقاف (۴۶) آیه ۲۶ همین ضبط خطا را دارد؛ در سوره تحریم (۶۶) آیه ۱۰ به شکل «نگذرانیدند» آمده که صحیح آن «نگزیرانیدند» است و همچنین در سوره مرسلات (۷۷) آیه ۳۱ به شکل «نه بگریزاند» آمده که درست آن «بنگزیراند» است.

* سوره ۴۶ آیه ۴ در ترجمه «أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ» آمده است: «یا ایشان انبازی هست در آسمان‌ها» که نیاز به حرف اضافه «را» دارد: «ایشان را انبازی هست...». در سوره فاطر (۳۵) آیه ۴۰ هم این عبارت تکرار شده است و در ترجمه آن حرف «را» قید شده است.

* سوره ۴۷ آیه ۳ کلمه «خدای» تکرار شده است که خطای صفحه آراست.

* سوره ۴۸ آیه ۲۵ در ترجمه «فَتَصْبِيحُكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ» می خوانیم: «برسیدی شما از ایشان زبانی» که حرف اضافه «را» افتاده است؛ اصل ترجمه چنین باید باشد: «برسیدی شما را از ایشان زبانی».

* سوره ۴۹ آیه ۷ در ترجمه «لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ» می خوانیم: «اگر فرمان بری [ید] شما اندر بسیاری از کار، بزهکار شوید» که صحیح آن باید چنین باشد: «اگر فرمان برد شما را اندر بسیاری از کار...».

* سوره ۵۶ آیه ۱۹ «لَا يَصْدَعُونَ عَنْهَا وَلَا يَنْزِفُونَ» چنین ترجمه شده است: «در دسر نباشد آن را از آن و نیست نشوند» که «مست نشوند» درست است.

* سوره ۵۶ آیه ۹۶ «وَتَصْلِيَةٌ حَجِيمٌ» ترجمه شده است: «و در آوردن و دوزخ» که